



دیوان شعر و نثر محمدرضا صفاری
(منظومات و منشورات)

جلد اول

www.ketab.ir



صقاری، محمدرضا، ۱۳۴۵	سرشناسه :
دیوان شعر و نثر محمدرضا صقاری (منظومات و مثنورات).	عنوان و نام پدید آور :
تهران : محمد رضا صقاری ، ۱۳۹۵.	مشخصات نشر :
وزیری	مشخصات ظاهری :
ج. ۱: ۹۷۸۶۰۰۰۴۶۰۵۱۸	شابک :
	وضعیت فهرست نویسی : فیبا
شعر فارسی -- ۱۴	موضوع :
صقاری، محمدرضا، ۱۳۴۵ -- یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره.	موضوع :
Persian poetry – 20th century	موضوع :
PIR۸۳۵۰ / ۱۳۹۵ ۱۳۲۲۹ف	رده ی دی کنگره:
۸۶۶۲/۱	رده ی دی، دیوبی:
۴۳۶۰۱۰۴	نمارة شابشناسی ملی :
دیوان شعر و نثر محمدرضا صقاری (منظومات و مثنورات).	نام کتاب :
محمد رضا صقاری	ناشر :
محمد رضا صقاری	مؤلف ومدون :
سارا زای	صفحه آرا :
الهام خوشنگی	ویراستار :
پیش ۱۳۰۰	چاپ اول ناشر :
۱۰۰۰	تیراژ :
۲۷۰۰۰ تومان	قیمت :
ج. ۱: ۹۷۸۶۰۰۰۱۶۰۵۱۸	شابک :

دفتر مرکزی پخش :

دفتر پژوهش های دانش محور محمد رضا صقاری - میدان ونک ، گاندی جنوبی، خیابان ۴، پلاک ۱، طبقه سوم شرقی.

تلفن : ۸۸۸۷۷۹۳۸-۸۸۷۸۳۰۳۴

فهرست اشعار

۱۹	مقدمه
۲۱	به یاد پدرم، که حتی از روحش مهر دیده‌ام
۲۲	الفبای شعری
۲۴	صوفی نامه
۲۵	مناجات (الهی نامه)
۲۶	عظمت قرآن کلام الله مجید
۲۷	خانه خدا
۲۸	خاک خدا
۲۹	نور محمد (ص)
۳۰	علی علیه السلام ولود کجیه و شهید محراب با هشتاد زخم بر تن
۳۲	علی ولی حق
۳۳	تعبیر خواب، مجلس عزای امام حسین (ع)
۳۵	عزت نفس
۳۶	آمد خیرم
۳۷	وفای به مادر
۳۹	گاو و اسکناس
۴۱	گرگ و چوپان
۴۳	غیرت کودکانه
۴۵	ندای حق
۴۶	تقوا
۴۷	کشف حجاب
۴۸	سخن حق
۴۹	اگرچه رسم خوبان تندخویی است ولیکن خوب بودن خود نکویی است
۵۰	دین و مذهب
۵۲	راز طول عمر
۵۴	شجره طیبه
۵۶	غافل
۵۷	ترک عادت
۵۸	پدیده خلقت
۶۰	شر و شور دنیوی
۶۱	عاقبت اندیشی
۶۲	گناهان ما
۶۳	زبان حال کتاب
۶۴	کتابت
۶۵	سازندگی
۶۶	حق ناحق شده‌ام
۶۷	جمال و جلال محمد (ص) به مناسبت عید مبعث
۶۸	معمار آفرینش

۶۹	عید و عیب
۷۰	نوروز افکار و عقاید
۷۱	دنیا
۷۲	چرخ روزگار
۷۳	ساقی
۷۴	چشم طمع
۷۵	مبهط و منزل حق
۷۶	سخنی برادرانه
۷۷	عقوبت غرور
۷۹	درد عاقل
۸۰	ابعاد انسانی
۸۱	مرد و نامرد
۸۲	غم‌های دل
۸۳	اشک یتیم
۸۴	حرمت دوست
۸۵	مظروف جهان
۸۶	حکمت محرمات
۸۷	نفوذ قلم و بیان شاعر
۸۸	سموم جسم و روح و جان و اخلاق
۸۹	خاموشی دنیوی
۹۰	بین امید و ناامیدی
۹۱	ناله اسیر
۹۲	سیاست دشمن مخفی
۹۳	گو گوش شنوا
۹۴	شکایت
۹۵	راه کج
۹۶	راه حق
۹۷	تأثیر لقمه
۹۸	گذشته بر گذشت، حال خویش کنون دریاب
۹۹	خמוש باش تو صفار
۱۰۰	ندای قلب و عقل
۱۰۱	رانده شده از بهشت دیروز
۱۰۲	هادم اللذات
۱۰۳	ناسپاسی آدمی
۱۰۴	کتاب کون و مکان
۱۰۵	حال بعضی از اطباء
۱۰۶	چشم و گوش شنوا و حق بین
۱۰۷	نگاه دیده و دل
۱۰۸	عزت نفس
۱۰۹	قبول بندگی حق نه برده‌ی ناحق

۱۱۰	ندای حق
۱۱۱	انعکاس
۱۱۲	ناخوشی تن و بیماری دل
۱۱۳	راه حق و مرکب حق
۱۱۴	دیده و دل
۱۱۵	پیمان دل و دیده
۱۱۶	تلاش مذبوح بیگانه پرست
۱۱۷	بد را نباید به بدی پاسخ داد
۱۱۸	گناه اجتماعی
۱۱۹	ما زندگان مُرده‌ایم
۱۲۰	بهره هوشی
۱۲۱	راه باطل
۱۲۲	راه عقل
۱۲۳	درد معتاد و غم مسلول
۱۲۴	همه انسان نیستند و هر انسانی گریه‌کننده نیست
۱۲۵	اطمینان دل
۱۲۶	مزرعه قلب
۱۲۷	امید و شعری دور از غرور و غم
۱۲۸	طنز پیاز (گرانی پیاز سال ۱۳۹۴)
۱۲۹	طنز سیب زمینی (۱۳۹۴)
۱۳۰	دنیا و آخرت
۱۳۱	دشمن دین و ملت
۱۳۲	در مدح مولای متقیان علی علیه‌السلام
۱۳۳	بهیمیت و آدمیت
۱۳۴	حکمت محرمات و واجبات و مستحیات و ایضاً مکروهات
۱۳۵	غفلت و بی‌خردی
۱۳۶	قصه‌ی تلخ
۱۳۷	وعده‌گاه دو دل‌داده
۱۳۹	عقل ناقص
۱۴۰	سیاست
۱۴۱	عدالت و حکمت
۱۴۲	حکم حق
۱۴۳	رمز دو جهان
۱۴۴	حافظ اسرار حق (به مناسبت بعثت ختمی مرتبت «ص»)
۱۴۵	پند
۱۴۶	الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه
۱۴۷	سخن حق دور از نظر سوء
۱۴۸	رمز تقدیر
۱۴۹	بار دیگر اسیر دل گشتم
۱۵۰	عسل و زهر

۱۵۱	راه و چاه
۱۵۲	مرد عمل
۱۵۴	گریز از خویشتن
۱۵۵	رشته مهر
۱۵۶	اساس شرف و تقوا
۱۵۷	تقدیر و تدبیر
۱۵۹	سفر از پل زندگی
۱۶۰	خانقاه صفی علیشاه
۱۶۲	طریق صوفی صافی
۱۶۳	جسم و جان
۱۶۴	خیر محض
۱۶۵	عالم معنی
۱۶۶	همرنگی و یکدلی
۱۶۷	نفرین حق
۱۶۸	گناه چشم
۱۶۹	نادم از گذشته
۱۷۰	جاذبه مادیت
۱۷۱	پیری و کوری
۱۷۲	لطف حق
۱۷۳	یاس و غرور
۱۷۴	عصر پلاستیک و ملامین و نایلون
۱۷۵	کوته نظران و عشق بازان
۱۷۶	روان و روان شناسی
۱۷۷	خیام نامه یا پایان نامه
۱۷۸	مقامات سیارات و ثوابت
۱۷۹	امرد و مرد و نامرد
۱۸۰	مفهوم عشق
۱۸۱	جهان فریبنده
۱۸۲	بوسه های دروغین
۱۸۳	روانکاوی
۱۸۴	ارواح متمرکزه در انسان
۱۸۵	یادداشت پنجم (اسرار)
۱۸۶	ریاکاری
۱۸۷	محتسب حق
۱۸۸	احتکار
۱۸۹	چشم عقل
۱۹۰	صورت و سیرت
۱۹۱	اعتدال و صواب
۱۹۲	گناه
۱۹۳	تفسیر روح و جسم

۱۹۴	عبادت حق و خدمت خلق
۱۹۵	شوخی بی‌نمک
۱۹۶	نبرد و جدال حق با اهریمن
۱۹۷	هیجان و غضب
۱۹۸	بد گوهر
۱۹۹	اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک
۲۰۰	کوشش و حرکت
۲۰۱	تیره‌بختی و خوشبختی
۲۰۲	دشمنی بی‌جا
۲۰۳	سعی و عمل
۲۰۴	عقده
۲۰۵	حواس موجود آدمی
۲۰۶	ماه مبارک رمضان
۲۰۷	تربیت
۲۰۸	سیمای دلفریب تهران
۲۰۹	امزجه خمسه
۲۱۰	فرب امیال و هوس‌های زودگذر عمر
۲۱۱	خوی و سرشت
۲۱۲	چه تلخ و چه شیرین
۲۱۳	به عزت رسیدن
۲۱۴	درددل
۲۱۵	بهشت
۲۱۶	بحث مرده و زنده
۲۱۸	یار خاطرات
۲۱۹	نیرنگ و فرب رفیق
۲۲۰	احداث الدهر
۲۲۱	تک‌بیتی‌ها
۲۲۴	دوبیتی‌ها
۲۲۷	دل
۲۲۹	آدمی تا چنین است، چنان است

فهرست اسامی و معانی یا تعبیّرات شخصی

۲۳۲	خدا
۲۳۲	ایمان به خدا
۲۳۳	عبادت خدا
۲۳۴	عشق به وطن
۲۳۴	علم
۲۳۵	حسد
۲۳۶	رخص
۲۳۶	غرور
۲۳۶	رقابت
۲۳۷	خجالت
۲۳۷	غذا
۲۳۷	خواب
۲۳۸	اشک
۲۳۸	خنده
۲۳۹	ثروت
۲۳۹	احتیاج
۲۳۹	زندان
۲۳۹	کتابخانه
۲۴۰	قمار خانه
۲۴۰	شرابخانه
۲۴۰	مُرده
۲۴۱	مسجد
۲۴۱	مطالعه
۲۴۱	کُل
۲۴۱	دروغ
۲۴۲	راستی
۲۴۲	دزدی
۲۴۲	عجله
۲۴۲	شهوت
۲۴۳	قضاوت
۲۴۳	قاضی
۲۴۳	محکمه
۲۴۴	کوشش
۲۴۴	زخم زبان
۲۴۵	سکوت
۲۴۵	مظلوم
	ظالم

۲۴۶	کاسب
۲۴۶	کارمند
۲۴۶	عالم
۲۴۷	جاهل
۲۴۸	جهالت و نادانی
۲۴۸	امید
۲۴۸	ناامیدی
۲۴۹	پنبه
۲۴۹	شیشه
۲۴۹	سنگ
۲۵۰	فولاد
۲۵۰	صبر
۲۵۱	ورزش
۲۵۱	تحصیل علم
۲۵۱	حرف حساب
۲۵۲	حرف ناحساب
۲۵۲	دشنام
۲۵۲	گدائی
۲۵۲	فقر
۲۵۳	تنبلی
۲۵۴	غیبت
۲۵۴	پشیمانی
۲۵۴	دلهره و تشویق
۲۵۵	غم
۲۵۶	شادی و نشاط
۲۵۶	کینه توزی
۲۵۷	عقده
۲۵۷	گذشت و مردانگی
۲۵۸	بخشش و کرم
۲۵۸	عبادت
۲۵۸	اطاعت کورکورانه
۲۵۹	شجاعت
۲۵۹	گستاخی و جسارت
۲۵۹	خرابکاری
۲۶۰	خلافکار
۲۶۰	پاکی و درستی
۲۶۱	سخی و کریم
۲۶۱	خسپس
۲۶۱	لنیم
۲۶۱	کلاف

۲۶۲	قالی
۲۶۲	گوشواره و انگشتر
۲۶۲	قانع
۲۶۳	مُسرف و ولخرج
۲۶۳	مستبد و خودرای
۲۶۴	دوست دانا
۲۶۴	دوست و صاحب موسمی
۲۶۵	دوست نادان
۲۶۵	محبت
۲۶۶	بازپرس
۲۶۶	دادیار
۲۶۶	وکیل مدافع
۲۶۶	قانون
۲۶۹	انتحار
۲۶۹	اتهام
۲۶۹	افتراء
۲۶۹	برائت
۲۷۰	تعاون
۲۷۰	اتحاد و وحدت
۲۷۱	پرخوری
۲۷۱	پر حرف
۲۷۱	بیمارستان
۲۷۱	تیمارستان
۲۷۱	بیمار
۲۷۲	دیوانه
۲۷۲	ورزشگاه
۲۷۳	دانشگاه
۲۷۳	کودکستان
۲۷۳	دبستان
۲۷۳	معلم
۲۷۴	دانش آموز
۲۷۴	ختیاط
۲۷۴	نجات
۲۷۴	باز پرس
۲۷۵	سهل انگاری
۲۷۵	آرایشگر (سلمانی)
۲۷۶	پرورشگاه
۲۷۶	دبیرستان
۲۷۶	خریزه
۲۷۶	سیگار

۲۷۷	ترباک
۲۷۸	هروئین
۲۷۸	مشروب
۲۷۹	پول
۲۷۹	خاکستر
۲۷۹	محراب عبادت
۲۸۰	خیال
۲۸۰	هوس
۲۸۰	ترس
۲۸۱	خستگی
۲۸۱	تشنگی
۲۸۱	گرسنگی
۲۸۲	مرگ
۲۸۲	قبرستان
۲۸۳	زکاه
۲۸۳	صدقه
۲۸۳	فطریه
۲۸۳	چوپان
۲۸۳	خواجه
۲۸۴	نوکر
۲۸۴	کلفت
۲۸۴	سگ
۲۸۴	تکبر
۲۸۴	مرد
۲۸۵	زن
۲۸۶	زیبائی
۲۸۶	زشتروئی
۲۸۶	بهشت
۲۸۷	جهنم
۲۸۷	فرزند
۲۸۷	سرباز
۲۸۸	میهن
۲۸۸	باغ
۲۸۸	بلبل
۲۸۸	خار
۲۸۹	کوه
۲۸۹	سبزه
۲۸۹	چشم
۲۸۹	نقاش
۲۹۰	نویسنده و نویسندگی

۲۹۰	نابینا
۲۹۱	کر و لال
۲۹۱	علیل الخلقه
۲۹۲	سلامتی
۲۹۲	بیماری
۲۹۲	درد
۲۹۲	دریا
۲۹۳	ابر
۲۹۳	ماه
۲۹۳	خورشید
۲۹۳	ستاره
۲۹۴	باران
۲۹۴	برف
۲۹۴	باد
۲۹۴	طوفان
۲۹۵	آفتاب
۲۹۵	ساعت
۲۹۵	عینک
۲۹۶	قلم
۲۹۶	چراغ
۲۹۶	شینم
۲۹۷	جنگل
۲۹۷	آسمان
۲۹۷	برق
۲۹۷	صائقه
۲۹۸	سیل
۲۹۸	سرطان
۲۹۸	صفا
۲۹۸	وفا
۲۹۸	بی وفائی
۲۹۹	عشق
۳۰۰	حیوانات
۳۰۲	میکروب
۳۰۲	ویروس
۳۰۳	تب
۳۰۳	درد
۳۰۳	روز
۳۰۳	شب
۳۰۴	شانس و اقبال
۳۰۴	بخت

۳۰۴	آرزو
۳۰۴	عروسی
۳۰۵	زندگی
۳۰۶	مهریه
۳۰۷	کتاب
۳۰۷	کیاب
۳۰۷	پهلوان
۳۰۸	مرتاض
۳۰۸	نمک
۳۰۸	غذای مطبوع و غیرمطبوع
۳۰۹	سخت‌ترین مصائب
۳۰۹	بهترین اوقات
۳۰۹	بدترین اوقات
۳۱۰	فریاد
۳۱۰	سکوت
۳۱۱	بلندگو
۳۱۱	اشک
۳۱۱	دارو
۳۱۲	طبيب
۳۱۲	داروساز
۳۱۲	داروخانه و دراکستور
۳۱۳	آزمایشگاه تشخیص طبی
۳۱۳	عقل
۳۱۳	عاقل
۳۱۵	دیوانه
۳۱۵	غافل
۳۱۶	اذان
۳۱۶	عقل
۳۱۶	خلقت
۳۱۷	خانقاه
۳۱۷	درویش
۳۱۸	مرید و مراد
۳۱۸	نادریش
۳۱۹	باز پرس
۳۱۹	رئیس دادگاه
۳۱۹	عرق گیر
۳۲۰	کلاه
۳۲۰	دادستان
۳۲۰	لباس ساده
۳۲۰	رادیو

۳۲۱	تلویزیون
۳۲۱	ویدیو
۳۲۱	میوه
۳۲۱	سبزیجات
۳۲۱	پُشن و حیوانات
۳۲۲	خبرنگار
۳۲۲	مفسر
۳۲۲	عکاس
۳۲۲	ترقی
۳۲۳	دنیا
۳۲۳	گنج
۳۲۴	رنج
۳۲۴	معاشرت
۳۲۵	رفیق
۳۲۶	فامیل
۳۲۶	برادر
۳۲۷	خواهر
۳۲۷	نامادری
۳۲۷	ناپدری
۳۲۷	مادر بزرگ
۳۲۷	پدر بزرگ
۳۲۷	کمال
۳۲۸	جلال
۳۲۸	سقوط
۳۲۹	ثروت
۳۲۹	داماد
۳۳۰	مادر زن
۳۳۰	مادر شوهر
۳۳۱	عروس
۳۳۱	عشق و مهر و لایت
۳۳۲	وکیل مدافع
۳۳۲	آشیانه پرنده
۳۳۲	شکارچی
۳۳۲	دام
۳۳۳	دانه
۳۳۳	دائرةالمعارف
۳۳۳	خط
۳۳۳	شکار
۳۳۴	قهوجی
۳۳۴	آخرین دفاع

۳۳۵	فرجام
۳۳۵	عفو و بخشش
۳۳۵	میز قاضی
۳۳۵	برالت و تبرئه
۳۳۶	محکومیت
۳۳۶	معصوم
۳۳۷	مجرم
۳۳۷	متهم
۳۳۷	دادگاه
۳۳۸	انجمن خانه و مدرسه
۳۳۸	بنگاه معاملات ملکی
۳۳۹	آژانس معاملات املاک
۳۳۹	نانوایی
۳۳۹	قصاب و قصابی
۳۳۹	آموزشگاه
۳۳۹	آموزشگاه تعلیم رانندگی
۳۴۰	تاکسی و رانندگان تاکسی
۳۴۰	زرگر
۳۴۱	کفّاش
۳۴۱	خیاط و خیاطی
۳۴۱	سفره
۳۴۱	صاحبخانه خسیس
۳۴۲	صاحبخانه کریم و سخی
۳۴۲	میهمان مزاحم و پررو
۳۴۲	سفر
۳۴۲	دشمن
۳۴۲	غفلت
۳۴۲	پشیمانی
۳۴۲	قطار راه‌آهن
۳۴۲	کارگر
۳۴۴	سیاست و سیاست‌بازی
۳۴۵	سیاست مُذَل
۳۴۵	کارفرمای عادل و رحیم
۳۴۵	کارفرمای ظالم و بی‌رحم
۳۴۶	سرابدار و فراش مدرسه
۳۴۶	دلّاک حقام
۳۴۶	سوپور شهرداری
۳۴۶	مرده شور
۳۴۷	قبرکن
۳۴۷	طوطی

۳۴۷	طاووس
۳۴۷	یوقلمون
۳۴۷	کبک
۳۴۸	دیو
۳۴۸	مهندس
۳۴۸	پلیس
۳۴۸	مرزبان
۳۴۹	مأمور اداره وظیفه
۳۴۹	مأمور مالیاتی
۳۴۹	مأمورین اداره آب و برق (سازمان آب و برق)
۳۴۹	بازنشسته
۳۵۰	بازنشست
۳۵۰	جنگ
۳۵۱	پزشکان متخصص
۳۵۲	آب
۳۵۲	خاک
۳۵۲	خشت
۳۵۲	کاه
۳۵۳	سرباز گمنام
۳۵۳	پرستاران
۳۵۳	خشم
۳۵۴	تحریک
۳۵۴	محرك
۳۵۴	مشوق
۳۵۵	بهار
۳۵۵	تایستان
۳۵۵	پائیز
۳۵۵	زمستان
۳۵۶	سربازی
۳۵۶	افسر
۳۵۷	درجه دار
۳۵۷	نفت
۳۵۷	سازمان ملل
۳۵۸	شورای امنیت
۳۵۸	دبیرکل سازمان ملل
۳۵۸	پلیس صلح سازمان ملل
۳۵۸	مأمورین و مستشاران سازمان ملل
۳۵۹	دیوان دادگستری لاهه
۳۵۹	دیوان عالی لاهه

خواب ندارد، آرام نمیگیرد، می‌گرید، بی‌تابی می‌کند، ناگهان می‌خندد و سپس ناله می‌کند، خاموش نمی‌شود، استراحت هم ندارد، و به مرخصی هم نمی‌رود، حقوق که نمی‌گیرد، پاداش هم ندارد، و در کارش اخراج هم نمی‌شود، اثر کار افتادگی و بازنشستگی هم ندارد.... آری عاشق را می‌گویم.

عاشق تمام صفات مذکوره را دارد، اصلاً قاطبه صفات فوق مختص عاشق است.

چه عاشق قطره قطره برای رسیدن به معشوقش، آب می‌شود تا پایان گیرد.

این بهانه‌ای بود تا ویسم و بسرایم و تا کلمات حقیر و عبارات ضعیف تب درون را به بیرون ریزند، چون می‌گویم.

یکی بود.... آری او که از او بود و تا پایان خواهد بود، او همیشه هست و باقی خواهد ماند، چون او هست، زمان حیات دارد.

گویم:....

رد پاهای تو از آسمان تا زمین، نوی کوه، پس، کوچه‌ها، روی درختان، روی آب، در هر منظره، روی کوه‌ها، سنگ‌ها، گل‌ها، پروانه‌ها،.... همه جا دیده می‌شود ولی باز احساس تنهایی و دوری می‌کنم

می‌دانم که مرا می‌بینی، می‌دانم کنار هستی، می‌دانم

می‌دانم که می‌شنوی و حتی از پندارها آگاهی!

ولی....

ولی نمی‌دانم چرا گاهی بیخود می‌شوم و فراموشت می‌کنم، همچون کسی که در آب می‌زید و همواره آب را صدا می‌کند ولی آب را نمی‌بیند!

به هر حال یاد تو، پرچم صلحی است میان شورش افکارم، و برای همین تو را می‌خواهم و این خود ابتدای خودخواهیم است.

و میان این ضمایر، فقط ضمیر تو، آری (تو) برایم کافی است.....

زمستان یا خزان، چه تفاوت دارد؟ هر جا که تو باشی همه‌اش بهار است، تو سرزمین مرا سبز می‌کنی، اصلاً خزان نمی‌بینم، چون تو هستی.

زمستان نیست، چون تو می‌مانی و من تو را علناً یا که یواشکی دوست دارم، کما اینکه گاهی شیطان کارش را می‌کند، مرا کور و کر می‌نماید، ولی بعد از فریبم، من می‌مانم و کوهی از اشک....

چون می‌خواهم برگشته‌ام برمی‌گردم.

دیوانه‌وار از تو می‌خواهم که با من حرف بزنی، و من افسوس...

صدای تو را از این همه نظم در آفرینش، چگونه نمی‌شنوم؟ چگونه نمی‌دانم که صدای چکاوک در مزرعه بغلی، به خواست توست، و یا صدای رعد در فضای بارانی شهر، توجه تو است، آن هم برای من، که مرا به یاد خودت اندازی....

و باز می‌خواهم که تو را ببینم، و غافلم از آن که تو در پشت ستاره‌ای که می‌درخشد به من چشمک می‌زنی، و حرف‌ها می‌گویی و من باز گرم و کورم که تو را نمی‌شنوم و نمی‌بینم!!!!

از تو معجزه می‌خواهم و تو در هر لحظه برایم اعجاز کرده‌ای، افسوس که من نادانم

نمی‌بینم که در کنارم، نوزادی چشم به جهان می‌گشاید و پیام اعجازت را به من می‌دهد...

باز غافلم، تا آنکه تو می‌ایی بر سرم دست می‌کشی و من بالای سرم جریان بر هم خوردن بال پروانه‌ای را در همان لحظه می‌فهمم ولی با غفلت به او می‌پردازم و به دنبال پروانه‌ای می‌روم، در

حالی که تو دست نوازشت بر روی سرم اتقی مانده است !!!

اکنون حقیر کمترین، مجموعه‌ای از پیزان اشعار و دل‌نوشته‌هایم را به دوستان و مشتاقان تقدیم می‌نمایم و از سروران ارجمند، استدعا می‌گردد که با غماض بر نکات لغزیده و ایرادات موجوده را دارم، چه این اشعار و نوشته‌جات، پاره‌های بدن منند که بعضاً بدون هیچ آدابی سروده شده و نگارش یافته‌اند و فقط بیان احوالات درون سرینه‌ام بوده و هستند و برخلاف شعرا به دنبال هموزن‌سازی و قافیه‌پردازی نبوده و نیستم.

به امداد رحمت خداوند منان

تهران - محقق محمد رضا صفاری